

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۱۳۹۸

نمایشگاه کتاب تهران به نیمه خود رسیده است.
تامل دقیق تر در ماهیت و ساختار بزرگترین اتفاق فرهنگی سال ایرانیان؛ نشانه‌های آشکاری از وضعیت امروز فرهنگی ایران به دست می‌دهد.

پروسه برگزاری یک رویداد فرهنگی با استقبال بالا در شهر تهران، بدون اندیشیدن به راهی که از طریق آن بتوان وجوه و نیازهای نمایشی و لاکچریسم فربه در فرهنگ عمومی این شهر را پاسخ گفت، از همان ابتدا محکوم به شکست است. در دل چنین پروسه‌ای مسئولان فرهنگی، دست‌اندرکاران این رویدادها و مدیران میانی و… همه دنبال یک «نتیجه مطلوب» از نمایشگاه هستند که آن هم چیزی نیست جز استقبال عددی گسترده، رضایت عام از بودن در فضایی راحت و آسایش فیزیکی، دامن زدن به رونق بازار محصولات فرهنگی والبته فروش حداکثری و…و اینها به دست نمی‌آید جز با رعایت قواعدی که بتواند وجوه و نیازهای قدرتمند موجود در فضا و فرهنگ عمومی را پاسخ گفته و مخاطبان و توده را به این رویدادها جذب کند و چیزی به نام نمایشگاه کتاب از همین‌جا زمین‌گیر می‌شود.

نمایشگاه‌بین‌المللی کتاب تهران با این عنوان برطمطراق از روز چهارشنبه هفته گذشته آغاز شده است. این بزرگترین رویداد فرهنگی عمومی در سطح کشور است که هر سال بازدیدکنندگان و خریداران متعددی را به مصلی تهران می‌کشاند. اسمال نیز نمایشگاه با فضاهایی مشابه این چند سال در حال برگزاری است و به نیمه نرسیده مشخص است که مسیر آن تا انتها چگونه خواهد بود. نمایشگاه کتاب تهران نمونه بسیار جالبی برای مطالعه آن چیزی است که در سالهای اخیر در فضای فرهنگ ایرانی در حال غلبه یافتن و پیدا کردن راهی برای تسلط و غلبه است. در این نمونه کم و بیش با ایجاد فضاهایی تبلیغاتی و ظاهرگرایانه فرهنگی برای جذب مخاطبان نه تنها توسط خود برگزارکنندگان نمایشگاه کتاب تهران، بلکه توسط بسیاری از دست‌اندرکاران انتشاراتی‌ها به عنوان «کنشگران فرهنگ» مواجه هستیم. از این پدرت، حتی ما در تولید و انتشار محتوای کتاب هم، که باید بسیار جدی‌تر، فرهنگی‌تر، انسان‌مدارانه‌تر و چالش‌برانگیزتر از این فضاهای موقتی و نمایشی و تا حد زیادی لوس و مبتذل باشد، متأسفانه دچار چنان بازی نامیوم و جلفی شده‌ایم که در مواقعی ناامیدی اصحاب فرهنگ و قلم جدی سراسر کشور را به بار آورده است.

**زندگی مصرف‌زده و تفاخرجویانه طبقه متوسط تهرانی کماکان در صدر است**

گشت و گذاری کوتاه در نمایشگاه کتاب تهران به راحتی نشان می‌دهد که ما در چه وضعیت گریخ‌کننده و ناامیدکننده‌ای قرار داریم. به طور متناوب در هر حرف الفبای انتشارات‌ها؛ غرفه‌های انتشاراتی‌هایی را می‌بینیم که با پذیرش یک فضای مسلط کاملاً بازاری-تجاری، و نه فرهنگی، کتاب‌های «خوشگل» انواع و اقسام سلبریتی‌های ریز و درشت در فضاهای حقیقی و مجازی را با بزرگ‌دوک‌ها و رنگ و بوی «بیا و ببین» و به دست مخاطبان عموماً جوان کتاب می‌رسانند که توصیف حدود سطحی‌بودگی آن‌ها هم از هر کسی، از جمله صاحب این قلم برنمی‌آید.

آن سوی دیگر پر مخاطب نمایشگاه هم تقریباً چنین وضعیتی برقرار است. قصه عرصه کتاب‌های اصطلاحاً عاشقانه و به قول مخاطبان آنها «حال خوب کن!» بسیار داغ است؛ نه هر عاشقانه‌ای، از آن‌ها که پر از تصویرها و روایت‌های آبکی از «دلگیری دم غروب» و «دلزت قدم زدن کنار ساحل» و «دو کردن فنجان چای روی میز چوبی یک کافه تاریک» و «دود کردن یک نخ سیگار در هوای حسرت دیدار» و شبیه این‌ها است؛ کتاب‌هایی بزرگ‌شده با برخی نمادهای نخ‌نما و از ریخت‌افتاده روشنفکرانه و متعلق به زندگی مصرف‌زده و تفاخرجویانه طبقه متوسط تهرانی که به خودی خود برای اثبات سطحی و جلف بودن کفایت می‌کند؛ حاوی عکس‌هایی عموماً تیره و تار و نورپردازی‌های از افت‌مده و ژست‌های «مکش مرگ ما ی دهه‌های پایانی قرن پیش و صدها ادا و اطوار تقلیدی دیگر!

طبق آخرین آمار در سه روز اول نمایشگاه بیش از نیم میلیون تراکتش مالی صورت گرفته است. رقم مهیج و امیدوارکننده‌ای. اما نکته در غرفه‌های شلوغ نمایشگاه به روشنی نشان می‌دهد که بازار کتاب در ایران با چه زنده‌است؟ مراکز نشر بازاری‌شده‌ما کتاب‌های عامه‌پسند را با تیراژهای بالا به حلق توده فرو می‌کنند و نوعی تفاخر ساختگی و مصرفی را رواج می‌دهند و بیچاره توده‌ها هم با یک نمایش و تفاخرجویی مضاعف، همین بنجل‌ها را می‌خرند، با آنها عکس می‌گیرند، در صفحات مجازی‌شان منتشر می‌کنند و در زیرش از «لذت یک غروب دلگیر با یک

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۱۳۹۸، در حال برگزاری است.

تغییرات فرهنگی و سیاستگذاری های اعمال شده در برخی از کشورهای جهان در رابطه با زادو ولد و کنترل جمعیت، به رواج «پدیده کمبود زن» و دردسر در برخی از کشورهای جهان منجر شده است.

به گزارش ایرنا، در تعیین جنسیت و تولد نوزاد دختر و پسر، عوامل مختلفی از جمله علل ژنتیکی، جوان یا مسن بودن مادران، ملیت و بیماری‌ها دخالت دارند.

اما آن چه در سال‌های اخیر فراتر از این قاعده علمی بر تعیین جنسیت دخالت داشته است، فرهنگ و سیاستگذاری های حاکم بر کشورها است که خانواده‌ها را به داشتن فرزند پسر ترغیب کرده است؛ سیاستگذاری هایی که با فراهم شدن امکان سقط مبتنی بر جنسیت همراه بود.

این مساله به همین جا ختم نشد و افزایش غیر طبیعی نرخ جمعیت پسران نسبت به دختران در جهان، پدیده کمبود زن را رقم زده که این تناقض تناسب در جمعیت دو جنس در ۱۲ کشور جهان مشاهده و باعث دردسر آنان شده است.

در همین راستا، مجله «Le Figaro» به استناد از مقاله منتشره در مجله علمی (PNAS) ضمن اعلام این موضوع که جهان امروز، با کمبود فاجعه بار (۳/۱ میلیون زن مواجه است، آورد: این پدیده در کشورهای هند و چین برجسته تر است چرا که بین سال های ۱۹۷۰ و ۲۰۱۷، در تناسب با ۱۱/۹ میلیون پسر ۱۰/۶ میلیون دختر به دنیا آمده است. بر همین مبنا، در چین، پرجمعیت ترین کشور جهان تعداد مردان ۳۴ میلیون بیشتر از تعداد زنان است.

نتیجه گیری‌های این پژوهش هم نشان می دهد ادامه این روند باعث شده امروزه نسبت جنس پسر به دختر ۱۱۸ به ۱۰۰ شود، به این معنی که از هر ۲۰۰ نوزاد به دنیا آمده، ۱۰۵ نوزاد پسر است، این در حالی است که تنها جزئی از

گزارشی از نیمه ابتدایی نمایشگاه کتاب

# از صف اینستاگرامی‌ها تا هضم انقلابی‌ها؛ نشانه‌های جدید فرهنگی

در نتیجه همان وضعیت قبلی بازتولید می‌شود.

**تردید برای حضور در سیاست و اجتماع و البته فرهنگ**

تکرار چنین وضعیت‌هایی در جامعه ایرانی حالا به مراحل سرنوشت‌سازی رسیده است. تا جایی که به وضعیت سیاسی اجتماعی مربوط می‌شود در فضای عمومی، وضعیت به نوعی به گزینۀ انفعال عمیقاً فکر می‌کند. در حوزه فرهنگ هم این وضعیت در بسیاری از بزنگاه‌های مهم صدق می‌کند؛ رویدادهای فرهنگی در ذهنیت عمومی به‌عنوان رویدادهایی منفعت‌طلبانه تفسیر می‌شود و گسست میان فرهنگ عمومی و سازمانی را عمیق و عمیق‌تر می‌کند. در این وضعیت سوژه‌های جدی، و نه سخیف و مبتذل فرهنگی و اجتماعی حاضر در فضای عمومی در خصوص این رویدادها با یک تردید بنیادین مواجه می‌شوند و این به فضای منفعلانه و گاه شدیداً سلبی منجر می‌شود و امروز دیگر می‌توان گفت «شده است».

به بزنگاههایی که مسئولان و دست‌اندرکاران رویدادهای اصطلاحاً فرهنگی در حین برگزاری آن رویدادها تلاش می‌کنند آنچه فرهنگ و فضای عمومی برای درک و تجربه «حس خوشایند» (رضایت مطلوب) و… به آن نیاز دارد، در دسترس قرار دهند و این رویدادهای فرهنگی را به مثابه «بستری که برای همه خوشایند و رضایت‌بخش است» تعین ببخشند، کنشگران فرهنگ نسبت‌به‌وجوه‌نمایشی، مصرفی، منفعت‌طلبانه‌و حتی مزورانه این رویدادها آگاه شده و نسبت به آن دچار تردیدهایی جدی و نظری و همچنین نوعی تشویش در انتخاب یک راه عملی هستند؛ اینکه با این نمایشگاه چه‌گونه برخورد کنند؟

این تردید و تشویش زمانی شکلی حاد پیدا می‌کند که فضاهای تبلیغاتی حول این رویدادهای اصطلاحاً فرهنگی تلاش می‌کنند به کسانی که به نمایشگاه نیا آمده‌اند، القا کنند که «چیز مهم / خوشایند / رضایت‌بخش / کول و… را از دست داده‌اید». تبلیغاتی که علی‌رغم پنهان کردن واقعیت‌عریان، تلاش می‌کنند سر همان چهره‌ها و کنشگران فرهنگی را شیره بمانند و اصطلاحاً آنها را احق فرض می‌کنند؛ در این زمینه تبلیغ به ضد تبلیغ بدل می‌شود و فاصله‌ها را بیشتر و بیشتر می‌کند. حالا این فضای تبلیغاتی بازاری را بگذراند در کنار فضاهای تبلیغاتی عمومی و مردمی در همان شئون‌ات‌حیات‌بیزرویی‌تهران: حرف و حدیث‌های مخاطبان عشق نمایشگاه، آدم‌های خوره کتاب عاشق پائولو کوئلیو، آدم‌های پلاس در راسته کتابفروشی‌های انقلاب و زیر لیل کریسمخا و شیفته عکس فنجان در کنار کتاب بر روی یک میز چوبی و… که در دوره برگزاری نمایشگاه کتاب در تهران علی‌رغم خوشحالی و کول بودن‌شان، مدام در حال نوعی القای این حس هستند که کسانی که اینجا نیستند، چیز مهم و خوشایندی را از دست داده‌اند! همه اینها وضعیت را به شکلی تقابلی به نوعی انفعال و حتی تحریم چنین رویدادهایی می‌کشاند و فاصله‌ای پرنشاندنی میان کنشگران اصلی فرهنگ و فضای عمومی ایجاد می‌کند.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد از یک وجه نامدین، پرسش از «چگونگی» مواجهه با نمایشگاه! بسیار جوری‌تر از حضور چند نفر بیشتر یا کمتر در یک رویداد فرهنگی است. این پرسش از آنجا بسیار جدی است که ما را به بروز نوعی کنش تقابلی (مبتنی بر انفعال) در حوزه فرهنگ واقف می‌سازد، درست مانند آن تقابلی که ممکن است با موضوع انتخابات ریاست‌جمهوری و… شکل گرفته باشد.

این مهمترین وجه این قضیه نیست. تقابل با رویدادهای فرهنگی برگزار شده توسط نهادهای دولتی و سازمانی، در پی نوعی اتخاذ رویکردهای ایدئولوژی‌زده که در درآمدت گسست‌های عمیقی بین توده و نهادهای برقرار کرده، ایجاد شده است. از سوی دیگر آن دوگانگی مزورانه هم بر عمق این گسست‌ها افزوده و باعث شده که عموم این رویدادها نزد ذهنیت عمومی به‌عنوان نوعی برنامه‌های ایدئولوژیک تعین یابند که ضامن حفظ وضعیت موجود و منافعی هستند که از مناسبات و روابط ناسالم تغذیه می‌کنند. راه به نتیجه رسیدن آن هم دامن زدن به نوعی تحقیق توده‌ها و اولویت‌سازیهایی کاذب نزد آنها است تا مسائل اصلی و فرهنگی جامعه ایرانی از دیدرس دور بمانند و مطالبات و پرسشگری‌ها به حداقل برسد. به نظر می‌رسد نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی باید به این مسئله بنیادی به طور جدی فکر کنند و راهی برای توجیهش بیابند.

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۱۳۹۸، در حال برگزاری است.

نمی‌کنند و صاحب فرزند نمی‌شوند. در پاره ای موارد در هم این کمبود جمعیت زنان و مازاد شدن جمعیت مردان، باعث می‌شود که زنان بخواهند از طریق ازدواج با مردانی که مقام اجتماعی مناسبی دارند، خود را در جامعه بالا بکشند. همچنین این امر باعث می‌شود که افرادی‌که از وضع اقتصادی خوبی برخوردار نیستند و تحصیل نکرده‌اند، نتوانند به راحتی تشکیل خانواده دهند.

**تعبیرات فرهنگی، مهاجرت و توسعه علم و فناوری، دامن زنده پدیده**

**کمبود زن**

پدیده ای که مختص کشورهای آسیایی نیست و نقش غلبه فرهنگ پسردوستی و توسعه علم و فناوری برای تعیین جنسیت قبل از بارداری هم به آن دامن زده و کشورهای اروپایی را درگیر کرده است.

پدیده کمبود زن در ایسلند آن‌جا که برای هر ۱۰۰ زن ۱۰۴ مرد و در کانادا آن‌جا که تعداد مردان ۲۵۰ هزار نفر بیش از زنان و به همان نسبت ۱۲۰ هزار مرد بیش زنان در تروژ است، احساس می‌شود.

بر اساس آمارهای رسمی، در فنلاند هم ۲۵۶ هزار مرد بین ۲۵ تا ۵۴ سال نامزد یا همسر ندارند و دولت‌مردان نیز نمی‌دانند که چه روشی را برای کاهش این اختلاف جنسیتی به کار گیرد.

محققان، مهاجرت زنان به دیگر کشورها را از دیگر دلایل اصلی این شکاف جنسیتی عنوان می‌کنند.

به عنوان نمونه زنان ایتالیایی برای کار و درس خواندن به کشورهای دیگر مسافرت می‌کنند از این رو مردان ایتالیایی نیز با این دردسر مواجه هستند. مهاجرت آوارگان هم عامل شکاف جنسیتی در سوییس و سوئد شده که بر اساس آمارهای دولتی، در حال حاضر تعداد مردان سوئد ۱۵هزار نفر بیش از زنان است.

## تغییرات فرهنگی

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۱۳۹۸



رسانه‌ای کشور تمجید کرده بود و حضور آنها را مغتنم شمرده بود! نکته جالب قضیه این بود که در لابه‌لای اظهارنظرات این مسئول رسانه‌ای به خوبی می‌شد تشخیص داد که او به طور کامل شناخته‌نمی‌شود، محترم باقی می‌ماند و در یک مصونیت رسانه‌ای رسمی قرار دارند. اما باید تصدیق کرد که آن مصونیت و احترام کاذب، نتیجه مستقیم همین حجم از بلاهت‌های انتشاریافته و رسمیت‌یافته در فرهنگ عمومی جامعه ما نیست. برقرار بودن آن احترامات و مصونیت‌ها شدیداً وابسته و متأثر از همین وضعیت مبتذل در فرهنگ عمومی و توده‌ای و لوث شدن عناصر جدی فرهنگی و فکری است که با مطالعات کتاب‌های جدی به دست می‌آید.

**شاخ‌های اینستاگرامی و صف‌های طویل مشتری**

اوضاع تا حد زیادی ناامید کننده است. فقط کافی است به این فکر کنیم که چ‌را یکی از شلوغ‌ترین و پرمخاطب‌ترین اوقات در نمایشگاه کتاب تهران را که از قضا در فصلای بزرگ تهران هم برگزار می‌شود، برای زمانی است که اصطلاحاً یک «شاخ اینستاگرامی» قرار است بیاید کتاب اولش که حاوی مجموعه‌ای از «دل‌نوشته» های بی‌معنی اینستاگرامی است را امضا کند؟! به این فکر کنیم که چه می‌شود صفی طویل برای گرفتن امضا از یک «شاخ» تشکیل می‌شود و صفحات اجتماعی دهها و صدها جوان این شهر استوری‌هایی منتشر می‌کنند و در آن‌ها می‌گویند بیش از یک ساعت است که در صف امضا از «امیرعلی» نامی ایستاده‌اند، ولی هنوز نیامده است؛ تازه در پایین پستشان با برجسته کردن عنصر «انتظار»، هشتگ می‌کنند: «امیرعلی بیا بیرون!»

این تازه سلبریتی و شاخ شناخته‌نشده‌ای است که تنها یک کتاب از پست‌های اینستاگرامی‌اش منتشر کرده است، نه چهرهای مانند (رامبد جوان» که با تمام قوا در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف و رسانه‌های رسمی و مجازی و… پیش می‌رود و حالا از به خاطر حرکتی نمایشی تبلیغاتی راهش به نمایشگاه کتاب‌تهران در مصلی افتاده است.کتاب‌عکسی از یک مسابقه‌عکاسی حاوی تصاویر ارسالی کاربران اینستاگرام منتشر می‌شود و داوری نهایی برای انتخاب عکس‌ها کسی نیست جز شومن «خندوانه»!

به هر حال این پروسه متناقض و کج و معوج همچنان مسلط است و پیش می‌رود و هنوز هم نگرانی خاصی را ایجاد نکرده است. حتی وجود چنین پدیده‌ها و پروسه‌های تناقض‌باری، تنها به حوزه فرهنگ محدود نمی‌شود، اقتصاد، جامعه و سیاست ما هم از این تناقضات رنج می‌برند و مثلاً وقتی زمان انتخابات به‌عنوان کنشی سیاسی و اجتماعی که از قضا به شکلی تنگاتنگ با امر بنیادین اقتصاد هم مرتبط است، می‌رسد، چهره‌های سیاسی و ایدئولوژیک خود را به رنگ مردم و همچنین با فضای عمومی درمی‌آویزند، نمایشی مضحک با امر متضاد و متقابل بازی می‌کنند، شعارهای رنگ و وارنگ خوشایند نزد عموم می‌دهند تا به «نتیجه مطلوب» و «رضایت حداکثری از خویش» برسند و پس از انتخاب، عمیق‌ترین فاصله‌ها را با همان فضای عمومی و مردم و… می‌گیرند و

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۱۳۹۸، در حال برگزاری است.

### پدیده کمبود زن، دردسر نوظهور جهان



جهان بشریت که قادر است نسل جدیدی از انسان‌ها را ایجاد کند، زنان زیر ۴۵ سال هستند و تعداد آن‌ها به‌تدریج رو به کاهش است.

یکی از دلایل ظهور این پدیده که در کشورهای آلبانی، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، هنگ کنگ، هند، کره جنوبی، مونتۀ نگرو، تایوان، تونس و ویتنام هم موارد آن مشاهده می‌شود، سیاست هر خانواده یک کودک و سقط جنین انتخابی عنوان شده است که باعث شده خانواده‌ها با دانستن جنسیت جنین در صورتی که دختر باشد، کودک را سقط می‌کند.

حال آن‌که این کمبود دردسرساز شده و عواقب اجتماعی و اقتصادی زیادی به همراه دارد به این معنا که این پدیده جمعیتی باعث مشکلات روحی و حتی رشد خشوندت در جامعه می‌شود و اکثر مردها به دلیل کمبود زن ازدواج

### اخبار

**وضعیت بارش و دمای کشور در ماه‌های آینده**



رئیس پژوهشکده اقلیم‌شناسی از نوسانات دمایی طی روزهای باقی‌مانده اردیبهشت خبر داد و گفت: بارش‌های خرداد و تیر ۹۸ در حد نرمال خواهد بود اما پیش‌بینی می‌شود که دمای هوا در خرداد و تیر یک تا دو درجه بیشتر از حد نرمال باشد. ایمان بابائیان در مورد پیش‌بینی وضع هوای کشور در سه هفته باقی‌مانده از ماه جاری (اردیبهشت) به ایسنا گفت: در هفته دوم اردیبهشت میانگین بارش در سطح کشور در محدوده کمتر از نرمال پیش‌بینی می‌شود اما در هفته‌های سوم و چهارم در اغلب مناطق کشور بارش‌ها در حد نرمال خواهد بود البته در همین بازه زمانی در استان‌های حاشیه البرز و شمال غرب کشور میزان بارش‌ها به بیش از نرمال گرایش دارد.

**پیش‌بینی بارش نرمال برای خرداد ۹۸**

وی با بیان اینکه در خردادماه سال جاری بارش کشور در بیشتر مناطق در محدوده نرمال خواهد بود، اظهارکرد: در ماه بعد در بخش‌هایی از استان‌های حاشیه زاگرس مرکزی و شمال غرب کشور بارش در محدوده بیش از نرمال پیش‌بینی می‌شود. افزون بر اینها، شرایط بارش در ماه ابتدایی فصل تابستان (تیر ۹۸)، مشابه خردادماه خواهد بود. هرچند که مقدار بارش نرمال کشور در تیر ماه قابل ملاحظه نیست.

رئیس پژوهشکده اقلیم‌شناسی در ادامه در مورد وضعیت دمایی کشور طی هفته آتی اظهار کرد: با اینکه در هفته ابتدایی اردیبهشت، میانگین دمای کشور سه تا چهار درجه کمتر از نرمال بود اما در هفته دوم اردیبهشت این وضع تعدیل می‌شود، به‌طوری‌که در نوار ساحلی دریاخزر میانگین دما در حد نرمال و در سایر استان‌ها دمای هوا یک تا سه درجه کمتر از نرمال خواهد بود.

**وضع دمایی ایران در هفته‌های سوم و چهارم اردیبهشت**

به گفته بابائیان، در سه هفته سوم اردیبهشت، دما در جنوب شرق دو تا سه درجه و در سایر مناطق یک درجه بیش از نرمال پیش‌بینی می‌شود، همچنین در هفته چهارم اردیبهشت، میانگین دمای هوا در شمال شرق در حد نرمال خواهد بود اما در سایر استان‌ها به یک درجه بیش از دمای معمول فصل می‌رسد. وی همچنین به پیش‌بینی وضع دمایی خردادماه اشاره پرداخت و گفت: میانگین دما در خردادماه در شمال غرب و غرب کشور یک تا دو درجه بیش از حد نرمال و در سایر مناطق حدود یک درجه بیش از نرمال خواهد بود همچنین میانگین دمای هوا برای تیر ۹۸ در سطح کشور در حد نرمال تا یک درجه بیش از آن پیش‌بینی می‌شود. رئیس پژوهشکده اقلیم‌شناسی در بخش پایانی گفت‌وگو با اشاره به وضعیت بارش‌های کشور از ابتدای سال آبی جاری تا ۷ اردیبهشت‌ماه ۹۸ ، اظهارکرد: میانگین بارش کشور از ابتدای سال زراعی ۹۸-۱۳۹۷ تا ۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸، ۲۹۴ میلی‌متر بود که نسبت به سال گذشته و بلندمدت به ترتیب ۱۴۱ و ۴۵ درصد افزایش داشت. بیشترین افزایش بارش نسبت به میانگین به مقدار ۱۰۶، ۹۹ و ۹۴ درصد به ترتیب در استان‌های ایلام، لرستان و گلستان و کمترین افزایش به مقدار ۲۰،۴ و ۱۷،۴ درصد به ترتیب در استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و اردبیل ثبت شده است البته با وجود افزایش بارش رخ داده در تمامی استان‌های کشور در مقایسه با بلندمدت، به دلیل توزیع نامتگمون بارش‌ها، بخش‌هایی از استان‌های کشور از جمله کرمان و سیستان و بلوچستان، بارش کمتر از نرمال دریافت کردند.

### افزایش ۲۰ درصدی مرگ ناشی از سوءمصرف موادمخدر

در سال گذشته ۳۷۲۷ نفر بر اثر سوءمصرف مواد و عوارض ناشی از آن در کشور جان خود را از دست دادند، این رقم در مقایسه با سال قبل از آن که آمار تلفات ۳۰۵۶ نفر بود، افزایش ۲۰،۲ درصدی را نشان می‌دهد. به گزارش ایسنا، سازمان پزشکی قانونی اعلام کرد که در سال گذشته از کل تلفات اعتیاد، ۳۲۱۳ نفر مرد و ۴۵۹ نفر زن بودند که در مقایسه با تعداد درگذشتگان در سال ۹۶ تا ترتیب ۳،۳ درصد در مردان و ۲۴،۴ درصد در زنان افزایش نشان می‌دهد. بر این اساس در سال گذشته استان‌های تهران را ۹۰۰، فارس با ۳۳۶ و خراسان رضوی با ۲۸۰ متوفی، بیشترین و استان‌های خراسان جنوبی با ۶، گلستان با ۱۹ و ایلام با ۲۰ متوفی، کمترین آمار مرگ بر اثر سوءمصرف مواد را داشته‌اند. طبق این گزارش، این در حالی است که مرگ بر اثر سوءمصرف مواد محرک با ۳۳۲ مورد، ۹ درصد از کل مرگ‌های ناشی از سوءمصرف مواد را به خود اختصاص داده است که نسبت به سال گذشته ۱۱،۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد در حالی که مرگ ناشی از سوءمصرف مواد مخدر در همین مدت منجر به مرگ ۳۳۴۰ نفر شده است که افزایش ۲۴،۱ درصدی را نسبت به سال ۹۶ نشان می‌دهد.

رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ از حضور پلیس کوهستان و پارک در تفرجگاه‌های پایتخت خبرداد.

سردار کویاوغ ظهیری در گفت وگو با ایسنا، درباره اجرای طرح امنیت و انضباط اجتماعی در سطح پارک‌ها و کوهستان‌های پایتخت، اظهارکرد: یکی از بخش‌های ما در طرح امنیت و انضباط اجتماعی پلیس که از هفته گذشته در سراسر پایتخت به مرحله اجرا درآمده پلیس کوهستان و پارک است که ما در استای انجام بهتر مأموریت‌ها، این دو یگان را تقویت کردیم تا حضور گسترده‌ای در سطح بوستان‌ها و همچنین کوهستان‌های پایتخت داشته باشند. وی درباره اینکه حضور پلیس در این مناطق چطور خواهد بود؟ گفت: حضور مأموران ما مقتدرانه خواهد بود و قطعاً اجازه برهم زدن آرامش شهروندان در این فضاها را نخواهیم داد.

رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ درباره امکانات مورد نیاز برای پلیس پارک نیز به ایسنا گفت: در این خصوص وسایل و تجهیزات را درخواست داده‌ایم که به زودی آنها را خواهیم گرفت، از طرفی دیگر نیروهای ما نیز از آمادگی خوبی برخوردار هستند.

ظهیری در پاسخ به اینکه آیا با مواردی مانند سگ گردانی در پارک هم برخورد خواهد شد؟ تصریح کرد: با اوباشگری و برهم زدن آرامش و هرآنچه که ارتکابش در سراسر کشور جرم بوده یا سبب وحشت و ترس شهروندان شود، برخورد خواهیم کرد.